

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۶ هـ.ق - ده شب در کربلا)

۱۱ آبان ۹۳

خطبه‌ی شب هشتم

حمد و سپاس بر آستان محبت خالق‌ی که بندگان خویش را در توان جانشان نیازموند بلکه با دستان ید الهی دستان ناتوانشان را از ظلمت جهل به هدایتی روشنگر رهنمون شد تا مخلوقاتش به تصویر نهانشان آگاه شوند و پرده‌ی جهل را از مقابل دیدگان‌شان بردارند و به تماشای خلقتی بنشینند که معمای لحظات زنده بودنشان است. چه فرموده‌ی زیبایی است از مولا و سرورمان امام زمان (عج) که دست ید الهی خداوند مهربان همیشه در برداشتن پرده‌ی جهل از مقابل دیدگان و هدایت و نجات از آن، یاور بندگان‌ش است.

در شب هشتم از محرم این دست نجات بخش را از خطابه‌های گهربار و گران‌قدر مولایمان امام حسین (ع) با تمام وجود احساس می‌کنیم و شکرگزار این رحمت واسعه‌ی پروردگار یکتا هستیم. پس سلام بر روزها و شب‌ها و لحظه‌های با برکتی که آمدنشان نوید است و رفتنشان نجات، نجات از مرگی که بستر نمی‌شناسد، بسترش جانی پر معماست که زنده بودنش را یحیی خوانده‌اند و مردنش را یمیت. یمیتی که یحیی را به دنبال دارد تا مرگ را در زنده بودنش در اسارت گیرد، بندهایش را محکم ببندد و زندانش را نگشاید تا طعم زندگی ابدی را دریابند.

بله چه زیبا فرموده سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) و چه مصداق است بر این شب‌ها و روزها و بر سالار شهیدان اباعبدالله الحسین (ع) و یاران‌شان که مرگشان آغاز زنده بودن ابدی‌شان شد و همان‌گونه‌ای که خداوند رحمان فرمود: نپندارید شهیدان مرده‌اند، بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند. پس باید عبرت گرفت و همت کرد و مشتاق آن شد چون کتاب آسمانی می‌فرماید: آیا در احوال اقوام گذشته تعقل نمی‌کنید؟ ولی افسوس که تعقل از امت مسلمان رخت بر بست، همان خطاهایی را مرتکب شدند که اقوام گذشته در آن اصرار ورزیدند. مثل قوم عاد و ثمود

شرط ایمان آوردنشان را معجزه‌ی شتر از سنگ بیرون آوردن قرار دادند. شتر از سنگ بیرون آمد و آنان ناقه را سر بریدند و به عذاب الهی گرفتار شدند.

اهل کوفه شرط قیام و جنگ بر علیه کفر و ظلم و باطل را حضور امام حسین (ع) در کوفه با نامه‌های زیادی که به امام نوشتند اعلام کردند. امام آمد ولی آنان امام و فرزندان و یارانشان را سر بریدند و در همان حال قرآن می‌خواندند و از اینکه قوم ثمود و عاد ناقه‌ی حیاتشان را سر بریدند آنان را سرزنش می‌کردند.

اینک ما چه می‌کنیم؟ این سؤال شامل همه‌ی دوستداران و عزاداران امام حسین (ع) بعد از شنیدن خطابه‌های ده شب در کربلا است.

بله ما چه می‌کنیم؟ ماییم که سال‌هاست ادعا کرده و می‌کنیم که اگر در کربلا در جمع یاران ابا عبدالله (ع) بودیم از دین و امامان با نثار جان دفاع می‌کردیم. حال که حجت بر ما تمام شد و از اول محرم در کنار ابا عبدالله و یارانش نشسته‌ایم چه می‌کنیم؟ آیا از زیر بار این مسئولیت فرار کرده و افسوسش را کابوس دنیا و برزخ و قیامت‌مان می‌کنیم، یا با تیرهای گناه و جهل و گرفتار شدن در بند نفس و شیطان و دنیا به وجود مبارکشان حمله می‌بریم و یا با تمام جان و مال و فرزند از دینمان و امام عصمان دفاع می‌کنیم؟ بله چه می‌کنیم که تکرار جهل تاریخ نباشیم بلکه جزء نجات یافتگان نام ما برده شود؟

حال به اذن الله و به اذن رسول الله و به اذن مولانا اباعبدالله (ع) خطبه‌ی شب هشتم ده شب در کربلا را قرائت می‌کنیم:

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شب هشتم

سلام بر شاهد و مشهود، پروردگاری که بر کردار بندگان خویش آگاه است زمانی که او را می‌خوانند تا دستان بندگی مخلوقش را در دایره‌ی رحمت و اسع‌اش یاری کند. جان‌هایی که قدرت خالق را در روح خداوندی به ودیعه دارند؛ چه امانت سنگینی!

زمین و آسمان از پذیرش امتناع ورزیده و انسان این وظیفه را در امر خالقش پذیرفته است؛ لبیکی با هزاران طعم مطبوع و وعده‌های نیکو؛ یکی از آن وعده‌ها ماندن در امر الهی است و چشیدن وعده‌ی جاودانگی آنگاه که می‌فرماید: شهیدان در پیشگاه من روزی می‌خورند. خوردن بهترین لذت دنیایی است؛ انسان بیمار را در حصار از این بابت قرار می‌دهند تو بیماری و نمی‌توانی هر آنچه که پروردگار آفریده است را بخوری؛ خوش‌طعم‌ترین غذاها و میوه‌ها برایت کشنده است پس شهادت چیست که روزی را در پی دارد که قادر است هر چه در ملکوت آسمان و زمین آفریده شده را بخورد؟ چگونه می‌توان این رحمت گسترده را شناخت؟ قرآن کریم مجاهدت را راه رسیدنش خوانده پس آنانی که به معمای خلقت علاقه‌مند هستند و می‌خواهند این وعده‌ی الهی را درک کنند آماده می‌شوند. من یاران خویش را در زمان‌ها و دوران‌ها می‌خوانم: ای همراهان، پروردگارتان امر فرموده: من شب هنگام شما را می‌میرانم و آنچه در روز کرده‌اید را می‌دانم پس روزی که در معصیت بوده شبش در کجای عالم جای دارد؟ صبحگاهان زنده شده است ولی برزخش را در امیدهایی که وعده‌ی شیطان نفس بوده به شب می‌رساند تا تقویم زندگی‌اش به برزخی پیوند بخورد که دیگر بازگشتی ندارد پس حق جویان این صحرای مبارزه هشت شب است که شب هنگام می‌خوابند تا در صبحی بیدار شوند که دیگر شبی را در پی ندارد پس ده شب در کربلا همان ده شبی است که پروردگار عالم به آن قسم یاد فرموده تا نفس مطمئنه را به مکانش بازگرداند و شما که مهمان این ده شب شدید چگونه به این قسم پاسخ خواهید داد؟ اگر شیرینی پیامش را درک کنید جانتان امانت‌دارش خواهد بود و اگر نتوانید امر را اطاعت کنید همانند آنانی که رفتند تلخی‌اش همواره در جانتان مانند زهری عمل خواهد کرد که آرام آرام اعضا و جوارحتان را در مرگی تدریجی و عذابی سخت قرار خواهد داد زیرا هدف امامت هدایت است حتی به قیمت تکه تکه شدن اعضا وجودش، پس جان مرا در معرض شمشیرهایتان قرار ندهید با اطاعت، شیرینی جهاد را بچشید و از قاتلین حق نباشید. آنچه من در چهره‌هایتان می‌بینم تمنایی است که یک جان خسته از بیماری برای شفا دارد پس داروی امامتان را هر چند سخت است بخورید تا کربلا مشتاق آمدنتان باشد

اینک در این لحظاتی که زمان دایره‌ی حجتش را تنگ‌تر می‌کند او را می‌خوانیم تا فرصت‌هایمان افزایش یابد و زمان ماندن به پایان نرسد پس جانمان را به عطرش می‌آراییم.

اللهم عجل لولیک الفرّج

www.rayatolhoda.com